شهید قاسم سلیمانی | شهید ابومهدی المهندس | شهید مصطفی چمران | شهید ادواردو آنیلی | شهید حسن شاطری | شهید حسن طهرانی مقدم | شهید حسین همدانی | شهید محسن فخری‌زاده | شهید صیاد شیرازی | شهید محسن حججی | شهید سیدمحمدباقر حکیم | شهید عماد مغنیه | شیخ ابراهیم زکزاکی | دکتر رمضان عبدالله | سردار ابراهیم محمدزاده | سیدحسن نصرالله

فاطمیه

مناسب‌ترین فرصت برای تجدید میثاق با اولین شهید راه ولایت

کامران پورعباس

فاطمیه، ایام عزای اولین شهید راه ولایت، حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) است و مناسب‌ترین فرصت برای تبیین مصائب صدیقه شـهیده و بانوی دو عالم زهرای اطهر از یک‌سـو و تشریح زندگینامه و اهداف و فضائل و کراماتِ سرور زنان بهشت است.

۱۳ جمـادی‌الاول و ۳ جمادی‌الثانـی در تقویم شـیعیان به عنوان ایام شـهادت حضرت زهرا(س) به روایت‌های ۷۵ و ۹۵ روز شـناخته می‌شود که در این ایام هیئت‌های عزاداری مجالس عزا برپا می‌کنند. ایام فاطمیه اول و دوم از ایام مناسبتی خاص هیئتی‌ها به حساب می‌آیند که در سـال‌های اخیر برنامه ویژه‌ای برای آن دارند. در این گزارش درباره برخی جنبه‌های فاطمـیِ دفاع مقدس و دفاع از حـرم در عصر حاضر صحبت خواهیم نمود.

حضرت زهرا(س)، پناه رزمندگان در جنگ تحمیلی

بـه فاصله کوتاهی بعد از شـهادتِ خادم حضرت زهرا(س) و سـردار زهرایی حاج قاسم سلیمانی، برای نخسـتین‌بار صحبت‌های سـردار دربـاره کمک‌ها و

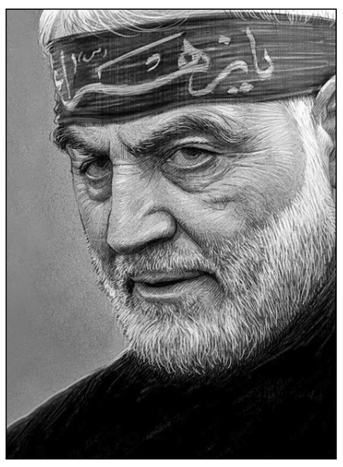

محبت‌های حضرت زهرا بـه رزمندگان دفاع مقدس منتشر و کلیپ آن به‌صورت گسترده در فضای مجازی پخش گردید.

شهید سـلیمانی در این سخنان می‌گوید: «ما هر وقت در سختی‌های جنگ فشارها بر ما حادث می‌شد، اون وقتی که به‌صورت بسـیار مضطـری هیچ کاری ازمون برنمی‌آمد، پناهگاهی جز زهرا نداشتیم و ما هم پناهگاهمون زهرا بود.»

در این صحبت‌هـا از یاد حضرت زهرا(س) و ذکر «یا زهرا» در میان رزمندگان و قدرت و محبت مادری حضرت زهرا در مصائب عظیم جنگ تحمیلی یاد نمود و جمعیت حاضر نیز زار زار گریستند.

فاطمیه جبهه‌ها یادش بخیر

در پایگاه منتظران شـهادت، در مطلبی با عنوانِ «فاطمیه جبهه‌ها یادش بخیر»، آمده است:

«در دهـه فاطمیه رزمندگان حال و هوای دیگری داشـتند. عزاداری در این ایام فوق‌العاده سنگین بود و هیئت‌ها سنگ تمام می‌گذاشـتند. مصیبت خوانی و مداحی، با ذکر آنچه بر سـر ام‌ابیهـا و پاره تن پیامبر رفته و در کتب معتبر آمده بود، داغ دل‌های سـوخته را تازه‌تر می‌کرد.

نشسته خواندن نماز شب با حزن و اندوه و افسردگی تمام به یاد مادر در مقایسـه با نشـاط و آمادگی سایر شـب‌ها برای بهتر درک کـردن واقعه و حال حضرت فاطمه(سلام الله علیها) بعد از آن، جگر بچه‌ها را آتش می‌زد. این شب‌ها چشم هر کس به بچه سیدها می‌افتاد بی‌اختیار اشکش جاری می‌شد؛ خصوصاً بچه‌های کم سـن و سـال‌تر. در شب شـهادت بی‌بی آن‌ها وسط می‌نشسـتند و بقیه دورشان حلقه می‌زدند و با هم در عزای مادر، هم ناله می‌شدند، نوحه می‌خواندند و اشک می‌ریختند....

شـبهایی که رمز عملیات مزین بـه نام حضرت زهرا(س) بود، از بچه سیدها قول شفاعت می‌گرفتند. سـیدها را قسـم می‌دادند به مادرشـان کـه برای شهادت‌شان دعا کنند. یا قسم می‌دادند که اگر شهید شدند آنها را شفاعت کنند.»

حاضر دانستنِ حضرت زهرا در مجالس روضه فاطمی

ابراهیم هادی شـهید گمنام و حضـرت زهراییِ دفـاع مقدس، ارادت خاص و عجیب و ویژه‌ای به مادرِ سـادات داشت. به همه بسیجی‌ها می‌گفت: «ایشان را مادر صدا کنید.»

ابراهیم می‌گفت: «بعد از توکل به خدا، توسـل به حضرات معصومین مخصوصاً حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها کارسازه.»

ابراهیم از همان دوران دبیرستان شروع به مداحی کرد. بدون هیچ تَکَلُّفی می‌خواند و بقیه را هم به خواندن و مداحی کردن ترغیب می‌کرد.

ابراهیـم هادی هر جا مداحـی می‌کرد از مادرش می‌خواند و در مجالس حضرت زهرا(س)، حضور حضرت را حس می‌کرد.

یک‌بـار بـه جلسـه مَجمَعُ‌الذّاکِرین در مسـجد حاج‌اَبوالفَتح رفته بود. در جلسـه اشـعاری در فضائل حضرت زهرا خوانده می‌شد که ابراهیم آنها را می‌نوشت. اواخر جلسه حاج علی انسانی شروع به روضه‌خوانی کرد. ابراهیم در حالتی که از خود بی‌خود شده بود دفترچه شعرش را بسـت و با صدای بلند گریه می‌کرد. بعد از جلسـه به دوستش گفت: آدم وقتی به جلسه حضرت زهرا وارد می‌شـود باید حضور خود خانم را حس کند، چون جلسه متعلق به ایشان است.

شهادت‌های فاطمی در ایام فاطمیه

متن زیر بخشی از خاطره حاج مهدی سلحشور از دوران دفاع مقدس و در ایام فاطمیه است که به رشته تحریر در آمده است:

«کامیونها پشت سر هم در جاده شهید صفوی به سمت شلمچه حرکت می‌کردند. پشت کامیون‌ها جای سوزن انداختن نبود. هر کامیونی پذیرای چهل، پنجاه رزمنده با تجهیزات کامل بود.

کیپ تا کیپ بچه‌ها نشسته بودند و مشغول ذکر و تلاوت قرآن و دعا بودند. در این بین بازار عقد اخوت هم داغ داغ بود. عقد اخوت با بچه‌هایی که خیلی‌های‌شان تا ساعاتی دیگر مهمان ارباب بودند.

بعضی‌ها هم آمال و آرزوهاشـان را بر زبان جاری می‌کردنـد و عمق نگاه زیبای‌شـان را بـه رخ تاریخ می‌کشیدند.

یکی می‌گفت: ای کاش مثل علی اکبر(ع) فدای دین شـوم. دیگری آرزوی شهادت مثل خود سیدالشهدا را داشت و می‌خواست بی‌سر به لقاء الله برسد.

اما یکی بلند شـد و گفت: ایام فاطمیه اسـت، ای کاش می‌شـد نشانه‌ای به سینه و بازو و پهلو با خود بر می‌داشتیم تا شرمنده مادرمان نباشیم.همین طورم شد.

اکثر جنازه‌ها یا از پهلو، یا از سینه و یا از بازو مورد اصابت قرار گرفته بودند.

درست مثل مادرشان فاطمه زهرا(س).»

فاطمیه جهانی شد و جبهه مقاومت را تأسیس کرد

حجت‌الاسلام محمدحسـین صابری اراکی عضو جامعه مبلغان کشور در بهمن ماه ۱۳۹۸ در شام شهادت حضرت فاطمه(س) گفت: حضـرت فاطمه زهرا(س) دختر نبوت و همسـر ولایت و مادر امامت با رشادت و خون خود از ولایت دفاع کرد.

وی با اشـاره به اینکه در سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) در کشور ایران تعطیلی رسمی نبود، افزود: برای ایام فاطمیه به اندازه‌ای سرمایه‌گذاری مادی و معنوی شد تا سـالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا تعطیل عمومی اعلام شد.حجت‌الاسلام صابری اراکی گفت: احیای فاطمیه با بیان مظلومیت‌های فاطمه زهرا در مجالس عزاداری تبیین شده است و امروز فاطمیه از مرزهای ایران اسلامی گذشته است و در آمریکا، اروپا، آسیا و استرالیا مراسم عزاداری شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) برگزار می‌شود.

به گفته وی احیای فاطمیه زحمت داشت، اما همت نیز در ورای آن قرار داشـت و مردم در ایام فاطمیه با معارف اهل بیت(ع) آشنا می‌شوند و مانند حضرت فاطمه زهرا(س) از غدیر حمایت می‌کنند.

عضو جامعه مبلغان کشـور با بیان اینکه فاطمیه جبهه مقاومت را تأسـیس کرد، اظهار داشت: فاطمیه اسـاس و چشمه جوشان اسـلام است و شهید سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی فاطمیه را زنده کرد.

وی افزود: حضرت فاطمه زهرا(س) درس مقاومت می‌دهد و برای همین است که تربیت‌شدگان فاطمیه از حرم دختر فاطمه زهرا(س) در سوریه که داعش قصد داشت آن را با خاک یکسان کند دفاع کردند.

فاطمی بودنِ سردار دل‌ها
در مراحل سخت جنگ تَحمیلی و مبارزه با داعش

فرمانده میدانیِ محور مقاومت، سرباز ولایت و سردار زهرایی، حاج قاسم سلیمانی است که فاطمی بودنش شهره آفاق است.

علامه مصباح یزدی خاطرنشـان نموده است: من ندیدم کسـی مانند حاج قاسم سلیمانی مقام حضرت زهرا(سلام‌الله‌علیها) را شناخته باشد و در هیچ حالی از توسل به آن بزرگوار غافل نشود.

سردار بزرگ و پرافتخار اسلام حاج قاسم سلیمانی اعتقاد و ارادت راسخ و راستین و مخصوصی به زهرای اطهر(س) داشت.

شهید سلیمانی می‌گفت:

«من خودم در دعاهای خودم، عموماً توسـل پیدا می‌کنـم به حضرت زینب و حضرت فاطمه؛ چون اهل بیت به این دو بانوی بزرگوار خیلی توجه دارند.»

توسل و ارادت سردار دلها به بانوی دو عالم حضرت زهرای مرضیه(س) در مراحل سخت جنگ تحمیلی و مبارزه با داعش زبانزد همه است.

عزاداری فاطمیه
در بیت الزهرای شهید قاسم سلیمانی

سـردار دلها به حضور در جلسات عزای اهل بیت عصمت و طهارت توجه زیادی داشت.

وقتی حاج قاسـم از کرمان بـه تهران نقل مکان نمود، منزل مسـکونی‌اش در کرمان را برای برگزاری مراسم سوگواری اهل‌بیت وقف حضرت زهرا کرد و نام «بیت‌الزهرا» را برای آن انتخاب نمود.

سـردار مقید بود در فاطمیه مراسم داشته باشد و خودش مداح و سخنرانش را دعوت می‌کرد و همیشه خود را بـه این مجلس می‌رسـاند. کارهای هیئت را انجام می‌داد.

حاجی هر سـال در عزاداری در بیت‌الزهرا شرکت می‌کرد و بانی مجلس بود. در مراسمات دم در می‌ایستاد و به عزاداران حضرت زهرا و مهمان مجلس خیرمقدم می‌گفت.

عزاداری فاطمیه در سوریه

در سال‌های مبارزه با داعش در سوریه اقامه عزای مادر سـادات در زیر شـدیدترین حملات و جنایات تکفیریها انجام می‌گردید. به گفتهٔ یکی از مدافعان حرمِ عقیله بنی‌هاشـم، در حرم حضرت زینب کبری(س) و حرم حضرت رقیه(س) و مناطق امن، مراسمات عزای مفصل و پرشـوری در ایام فاطمیه از چند روز قبل از شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) تا روز شهادت برگزار می‌گردید اما در مناطق عملیاتی و در اوج خطر، منزل یکـی از مدافعان حرم برای اقامه عزای فاطمی در نظر گرفته می‌شـد و چند شب عزاداری فاطمیه به صورت کوتاه و ساده برگزار می‌گردید.

مطابق اخبار منتشر شـده، بعد از نابودی داعش، مراسم فاطمیه به مدت یک دهه با شکوه هرچه تمام‌تر در حرم حضرت زینب کبری(س) و حضرت رقیه(س) برگزار گردیده اسـت که تصاویـر و کلیپ های آن در فضای مجازی موجود است.

۷۰۰ شهید حاصل جهاد عشایر عرب خوزستان علیه استعمار انگلیس

قلمدار مهاجر

ریشه تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهان غرب در انقلاب صنعتی اروپا بود. انقلابی که باعث تغییر ابزار، شیوه تولید و تحول در صنعت و تکنولوژی شد و همچنین مراکز صنعتی و کارخانه‌های گوناگون را توسعه داد. صاحبان صنایع برای ادامه حیاط خود به رقابت با یکدیگر برخاستند. تولید انبوه، اشباع بازارهای ملی و یافتن بازارهای مصرفی جدید نقطه اصلی رقابت‌های استعماری کشورهای اروپایی در دو قاره آسیا و آفریقا بود. گسترش و توسعه استعمار در جهان سبب شـد دولت‌های استعمارگر برای تثبیت موجودیت و تأمیـن منافع خود متحدانی را جذب کنند تا ضمن تقویت و بـالا بردن قدرت رزمی، مخارج سـنگین نظامی، مالی و نیروی خود را کاهش دهند و به دنبال آن به کشورهایی که می‌توانستند تامین‌کننده این منافع باشند حمله می‌کردند. در کنار کشورهای متعددی که در دنیا مورد هجوم و چپاول استعمارگران قرار گرفته بود کشور ما هم بی‌نصیب نبود و به دلیل منابع متعددی که داشت در فهرست استعمارگران قرار گرفت که در این بین خوزسـتان به دلیل اینکه منبع غنی نفتی را در دل خود جـای داده بود از اهمیت زیادی برای استعمارگران خصوصا انگلیسی‌ها برخوردار بود.

اهمیت نفت خوزستان در جنگ جهانی اول

اهمیت نفت خوزستان به نقش آن در تحولات اقتصادی و اجتماعی جهان بستگی دارد. بیشتر صاحب‌نظران معتقدند نفت منبع انرژی اسـت که چرخ‌های عظیم تمدن صنعتی را به حرکـت درآورد و تمدن مبتنی بر تکنولوژی پیچیده قرن بیسـتم با بهره‌گیری از نفت بـه وجود آمد به همین دلیل قرن بیسـتم را قرن نفت می‌گویند. این ماده حیاتی از ابتدا به عنوان کالایی اسـتراتژیک در دنیا مطرح شد به طوری که حتی در طرح‌های استراتژیک و بسیار مهم نظامی جایـگاه ویژه‌ای برای خود باز کرد. اهمیت نفت در جنگ و شـیوه تبدیل سوخت کشتی‌ها از زغال سنگ به نفت برای اولین‌بار در آلمان مطرح شـد و این کشور با توجه به نقشه وسیع جهانگردی که مطرح کرده بود علاقه‌مند به دستیابی به نفت بین‌النهرین بود. به همین دلیل در معاهدات خود با دولت عثمانی به طور مستقیم از نفت نام نبرد بلکه به قید امتیاز استخراج از معادن اطراف راه‌آهن اکتفا کرد. انگلیس پس از آن به اهمیت و نقش نفت در کشتی‌های جنگی پی بـرد. بنابراین همه تلاش خویش را برای تصاحب این ماده حیاتی و استفاده از آن در بحریه خود به کار برد. انگلستان که در آن زمان بزرگ‌ترین ناوگان تجاری و جنگی را در جهان و خلیج‌فارس داشت با تغییر نوع سوخت کشتی‌های جنگی خود از زغال‌سوز به نفت‌سوز به نتایج درخشانی دست یافت به دنبال آن استفاده انگلیس از نفت ایران در ایام جنگ جهانی اول بحریه او را در شرق احیا کرد و دریای عمان و خلیج‌فارس را از تعرض دشـمنانش مصون داشت. نقش نفت ایران در پیشرفت لشکرکشی‌ها و فتوحات انگلیس بسیار محسوس است و می‌توان گفت: مهم‌ترین عامل مؤثر در پیروزی متفقین بوده است. همان‌گونه که لرد کرزن سیاستمدار انگلیسی گفته است: متفقین به پیروزی نایل نگردیدند مگر به واسطه وجود نفت. همچنین یکی از نویسندگان مشهور انگلیس در سال ۱۹۱۴ راجع به نفت ایران نوشته است: «در مایع سیاهی که راه خـود را در فاصله ۱۴۵ میل در ظلمت معادن تا جزیره آبادان پیدا می‌کند یک روز ثابت خواهد نمود که خون لازم برای وجود ما خواهد بود.»

تاثیر نفت بر سازمان اجتماعی و اقتصادی خوزستان

صنعـت نفت بر تجارت کارون و سـاختار سیاسـی-اقتصادی خوزسـتان تأثیر زیادی داشت و در آن تغییرات اساسـی و مهمی به وجود آورد. از نظر سیاسی با گسترش فعالیت شـرکت نفت، نفوذ انگلسـتان و حـکام محلی در خوزستان افزایش یافت و از نقش حکومت مرکزی تا پایان دوره قاجار کاسته شـد. از نظر اقتصادی نیز پیدایش نفت موجب آبادانی بعضی شهرها و گسترش مهاجرت و افزایش کسب و کار شد. مردم شهرهای مختلف به آبادان مهاجرت کردند و در شرکت نفت مشغول به کار شدند. بر اساس آمار لاکهارت از ۴۹۵ ایرانی مستخدم شرکت نفت در آبادان در سال ۱۹۱۱ م.۴۱۵ نفر کولی بودند. شرکت نفت موظف بود برای کارمندان و کارگران درجه یک خود که اکثرا خارجی بودند مسـکن تأمین می‌کردند. بافت این شهرک‌ها که در نزدیکی حوزه‌های نفتی سـاخته می‌شد شبیه به شهرهای اروپایی بود و با بافت شهرهای سنتی ایران تفاوت‌های عمده و اساسی داشت. عشایر و روستاییان مهاجر که به استخدام شرکت نفت درمی‌آمدند در اقامتگاه‌های عمومی کارگری به صـورت مجردی زندگی می‌کردند یا خانواده‌های خود را از روستاها و ایل و طایفه به حومه شهرهای حوزه نفتی آورده، در کپرها و آلونک‌های محقر و کوچک زندگی می‌کردند. شرکت نفت از نیروهای بومی کمتر استفاده می‌کرد و به بهانه اینکه نیروهـای عرب از نظر فنی مهارت و قابلیت کمی دارند، از نیروهای غیر بومی و بیشتر از کارگران هندی بهره می‌بردند.

اتحاد جامعه اسلامی برای مقابله با انگلیس

با شـروع جنگ جهانی اول دولت عثمانی سیاسـت بیطرفانـه‌ای در پیش گرفته بود، زیرا سیاسـتمداران این کشور به دلیل نداشـتن تامین مالی و تسلیحاتی، مداخله نکردن را به صلاح مملکت می‌دانستند. امپراطوری عثمانی از ملیت‌هـا و اقوام مختلفی شـکل گرفته بود، انگلیس به دسیسـه‌گری و حیله متوسل شد و بذرهای تفرقه، نفاق و اختلاف را در بین اقوام گوناگون پاشید و در نهایت با اتهام متفقین به دولت عثمانی مبنی بر بمباران کردن بندرهای روسـیه در حاشیه دریای سیاه ابتدا روسیه سپس انگلیس و فرانسه به عثمانی حمله کردند با ورود عثمانی به جنگ، مجلـس عالی علمی عثمانی اعلامیه جهاد صادر می‌کند و بدین‌وسیله از آحاد مسلمین می‌خواهد علیه سلطه بیگانگان بر مسلمانان جهاد کنند.

فتوای جهاد مجتهدین شیعه

پـس از وقوع جنگ در عثمانـی و تصرف فاو و بصره، شـیعیان به خاطـر حفظ وحدت اسـلامی و جلوگیری از سوءاستفاده کفار، ظلم و ستمی را که از عثمانی دیده بودند کنار گذاشتند و با ارسال تلگراف‌هایی به مراجع بزرگ تقلید در شهرهای نجف، کربلا و کاظمین از آنان خواستند که در جنگ علیه انگلیس آنها را یاری و عشایر را به قیام تشویق کنند. بیشـتر مجتهدان در پاسـخ به این نامه‌ها با صدور فرمان جهاد از مردم خواسـتند با تمام توان از نفوذ بیگانه جلوگیری کنند. علما پیشاپیش عشایر وارد جنگ شدند و در جبهه‌های نبرد در کنار عثمانی‌ها به جنگ علیه انگلیس پرداختند که یکی از این جبهه‌ها، جبهه اهواز یا حویزه بود که به رهبری سید محمد طباطبایی در اهواز مستقر شدند و در نتیجه این فراخوان جهاد برای حفظ ارزش‌های اسلامی و ملی عشایر خوزستان به تبعیت از علما و مراجع وارد جنگ با انگلیس شدند.

قبیله باوی و عشایر وابسته

قبیله باوی از عشـایر مشهور عرب خوزستان است که خاسـتگاه اولیه آنان یمن است. این قبیله همراه با طوایف بزرگ خود به نام‌های الزرگان، الحمیدی، النواصر، السلامات به خوزستان مهاجرت و در جنوب شرقی اهواز و اطراف کارون متمرکز شدند. در زمان جهاد با دادن حکمی به عشایر زرگان، زمین‌هایی که در آن لوله‌های نفت و خطوط ارتباطی تلفن که متعلق به انگلیس بود به آن‌ها واگذار می‌شود و در عوض از آنها خواسـته می‌شود تا از لوله‌های نفت و خطوط تلفن محافظت کنند. اما با صدور فتوای جهاد عشایر زرگان همراه با باوی‌ها قیام کردند در نتیجه عشـایر شمال اهواز و شرق کارون یکپارچه به پا خاستند. از طرفی عشایر نواصر نیز زیر بیرق باوی در صف مقدم نبرد در کنار مجاهدین قرار گرفتند.

اولین عملیات عشایر باوی

اولین عملیات عشایر باوی علیه قوای انگلیس روز جمعه ۱۵ بهمن ۱۲۹۳بود. لوله‌های نفت انگلیس را در نزدیکی قریه ویس در چند جا توسط باوی‌ها و زرگانی‌ها بریده و نفت را از لوله‌هـا خارج کرده و منفجر کردند. همچنین تعدادی از کمپ‌های انگلیسـی را منفجر، یک ایستگاه شرکت نفت را غـارت و خطوط مخابرات را نیز در چند نقطه قطع کردند. شدت خروج نفت به گونه‌ای بود که نیروهای عشایر به همراه اسب‌هایشان به رنگ سیاه درآمدند. اولین عملیات مستقیم نیروهای عشـایر در محدوده ۲۱ تـا ۲۸ بهمن در محلی بین کوت عبدالله و سـید صالح رخ داد. نیروهای انگلیس با پشـتیبانی توپخانه‌ها و کشتی خود به‌نام شیطان از کارون به محل تجمع نیروهای عشایر شلیک می‌کردند و در مقابل نیروهای عشایر با تفنگ‌های ابتدائی خود به صورت جنگ وگریز و از پشـت خاکریزها به کشتی انگلیسی تیراندازی می‌کردند ولی تیرهای آن‌ها به دلیل بعد مسافت به خوبی به دشمن اصابت نمی‌کرد.

دومین عملیات مشترک عشایر باوی و زرگانی‌ها علیه انگلیس

پنج‌شنبه ۲۸ بهمن‌ماه نیروهای انگلیس در اهواز به دو هنگ پیاده‌نظام و نیم اسکادران سواره نظام و چهار آتشبار افزایش یافت. باوی‌ها پس از عملیات اولیه با قوای انگلیس در کوت عبدالله به منطقه زرگانی‌ها در امویلحه عقب‌نشینی کردند تا از قدرت آنان در مقابل قوای دشمن استفاده کنند. زرگانی‌ها که از محل اصلی خود دور شـدند به اجبار همه امـوال مهـم و آذوقه خود را از قبیل برنـج، گندم و جو را درحفره‌هایی قرار دادند تا از دسـت دزدان در امان بمانند. در روز یک‌شـنبه اول اسفند ۱۲۹۳ شیخ حنظل پسر برادر شیخ خزعل حاکم اهواز در جهت اهداف انگلیسی‌ها با گروهی مجهز به اسلحه و مهمات برای مقابله با عشایر باوی و زرگانی وارد جنگ شدند. ولی اسلحه مجاهدین و تعداد نیروهای آنان قابل مقایسه و رویارویی با تسلیحات مجهز نیروهای دشمن نبود. مجاهدین با همه توان تا آخرین فشـنگ جنگیدند و نبـرد از صبح تا غروب به طول انجامید. قوای حنظل برای آمادگی بیشتر به زویه عقب‌نشینی کردند و در همین زمان قوای باوی و زرگانی‌ها نیز با استفاده ازاین فرصت به ندافیه عقب نشستند.در این معرکه زرگانی‌ها تعدادی شهید دادند که اسامی آنان زینت‌بخش مسجد فعلی زرگان اهواز است.

جهاد عشایر عرب

با آگاه‌سازی مردم توسط علما، عشایر عرب در شهرهای شادگان، شوشتر، سوسنگرد، بستان، حمیدیه و رامهرمز به مبارزه علیه انگلیس پیوسـتند که در مرحله اول این نبرد حدود تعداد ۵۰۰ نفر از عشایر غیور عرب به شهادت رسیدند. در این بین نیز عشایر عرب اطراف شوشتر به رهبری شیخ مرتضی شوشـتری که از مجتهدین بـزرگ زمان خود بود در واقعـه جهاد علیه بریتانیا قیام کردند و دامنه جهاد را تا مناطقی از رامهرمز و بهبهان گسترش دادند. در نهایت شیخ مرتضی شوشـتری توسط یکی از عمال وابسته به انگلیس به شهادت رسید.

دلایل قیام عشایر عرب خوزستان

ایـن قیام نماد و تبلوری از هویت دینی، هویت قومی، ملی، تاریخی عشایر عرب خوزستان است.هویت دینی مردم عرب خوزستان شیعه اثنی عشری و تابع ائمه اطهار(ع) بودند و هستند. از آن جهت قیام آن‌ها خاستگاه اعتقادی و اسلامی داشـت و به پیروی از فتاوی مراجع تقلید شیعه بود. آنها با دست خالی و اسلحه‌های ابتدائی و با تکیه بر ایمان به خدا و روحیه جهادی در برابر قدرتمندترین استکبار جهان قیام کردنـد. این قیام به لحاظ تاریخی نقطه عطفی در مبارزات ضد استعماری آنها محسوب می‌شود و نقطه مشترک اکثر عشـایر منطقه بود. برای نخستین‌بار اتحاد امت اسلامی در جبهه اهواز شکل گرفت و مجاهد سنی و شیعی دست هم علیه دشمن اسلام مبارزه کردند. در نتیجه این جهاد عشایر عرب خوزستان با پیروی از فتوای مراجع تقلید و مجتهدین شـیعه ۷۰۰ شهید مظلوم در برابر استعمار تقدیم این مرز و بوم کرده‌اند که قبور این شـهدا در ۱۰ کیلومتری اهواز-سوسنگرد(المنیور) قرار دارد.

لالایی مـادر

سحر جلیلی‌پالندی

باد سردی در حال وزیدن است. آفتاب بی‌جان پاییزِ غزّه، از کمرکش دیواری که نصف آن فرو ریخته اسـت؛ به زمین سُـر می‌خورد. بوی دود و باروت همه جا را فرا گرفته‌اسـت. صدای ترسـناک بمب از دورها به گوش می‌رسد. آن طرف دیوار فریاد ناله بلند است. دخترک به چشمانش دست می‌کشد و مات و مبهوت به اطراف خود می‌نگرد. چیزی جز بتن‌های فروریخته و خانه‌های ویران نمی‌بیند و گوش‌هایش جز گرومپ گرومپ بمب نمی‌شنود. یاد مادرش می‌افتد. از جایش بلند می‌شود و با لرزشی که به صدایش می‌افتد مادرش را صدا می‌زند:

_ یمّا! یمّا!

اما کسی پاسخ نمی‌دهد. دوباره فریاد می‌زند؛ این‌بار بلندتر:

_ یمّا! یمّا!

پرصدا نفس می‌کشد. باز هم کسی پاسخش را نمی‌دهد. ترس در وجودش چنگ می‌اندازد و شروع به گریه می‌کند و پابرهنه از روی آوار می‌دود. بوی دود همه جا را می‌گیرد. چشمش به هرکسی که می‌افتد؛ در حال دویدن است. انگار آخرالزمان است و همه‌چیز عوض شده. تا چشم کار می‌کند خاک و سنگ و چوب روی زمین است.

دخترک، همچنان سـیلاب اشک از چشمانش جاری‌ست. احساس سرما می‌کند و می‌لرزد.

آیه یاد بند پستانکش می‌افتد که به لباسش سنجاق شده است و آن را برمی‌دارد، در دهانش می‌گذارد و با گریه می‌مکد.

نگاهش مثل آتش می‌سوزد. لرزش لب‌هایش از شدت گریه، دنیا را به حاشیه می‌برد. بی‌هوا می‌رود. حالا به سکسـکه افتاده اسـت و رنج می‌بیند. دسـت‌هایش را به چشمانش می‌کشد تا پیش پایش را بهتر ببیند و می‌دود در حالی که همه می‌دوند. صداهای عجیب و غریب به گوشش می‌رسد. آفتاب هم خیز برمی‌دارد و به بالاترین نقطه آسـمان می‌رسد تا همه‌جا را بهتر ببیند. پاهای کوچکش از رمق افتاده است؛ می‌نشـیند و کمی جلوتر چیزی نظرش را جلب می‌کند. خودش را به او می‌رسـاند. عروسـکی که روی خاک‌ها افتاده و موهایش در ازدحام پریشـانی پیچ و تاب خورده است. لبخندی بی‌جان روی لب‌های دخترک می‌نشیند. خم می‌شود و عروسک را بر می‌دارد و او را نوازش می‌کند انگار آشنایی پیدا شده است!

عروسک را بغل می‌کند. پستانک از لبش می‌افتد و روی یقه لباسش آویزان می‌شود. دست روی گونه‌های عروسک می‌کشد و گرد و خاک را از چهره او پاک می‌کند.

نگاه رنگ باخته‌اش را به آن می‌دوزد و حس می‌کند که عروسک نیز به آیه چشم دوخته است.

خاطرات بودن با مادر به ذهنش هجوم می‌آورد. زمانی‌که به آغوش او پناه می‌بُرد و گیسوانش روی بالش پهن بود و مادر آنها را به بازی می‌گرفت؛ از جلوی چشمانش می‌گذرد.

تلالوی انوار باریک نور خورشـید لای شاخ و برگ درختان زیتونِ غزه، مانند نقره می‌درخشـد. صدای شیون زنان و گریه کودکان سکوت غمبار را می‌شکند. بی‌قراری وجود آیه را پر می‌کند. چشمان عروسک سنگین می‌شود. آیه، دستش را دراز می‌کند. تکـه چوبی برمی‌دارد و روی پایش می‌گذارد و عروسـک را روی آن قرار می‌دهد و پاهایش را به نشان لالایی شروع به تکان دادن می‌کند. عروسکِ مو طلایی با صدای لطیف آیه که کلماتی نامفهوم را به زبان می‌آورد؛ به خواب می‌رود.

گرد و غبار بیشتر می‌شود و آسمان رو به تاریکی می‌رود و نور خورشید بین ذرات غبار و دود کمرنگ می‌شود. صدای گرومپ گرومپ نزدیک‌تر شده است اما چشمان آیه خسـته اسـت؛ واکنش چندانی نشان نمی‌دهد. او به دورها خیره شده است. باد، شـاخه‌های طلایی را روی صورتش می‌افشاند. در همین لحظه چشمان آیه به سوی مردی می‌دود که صدای قدم‌هایش آیه را ترسانده، مردی با لباسی که انگار شبیه لباس کسی نیست، در حالی‌که تفنگی به سمتش گرفته به او نزدیک می‌شود.

حرکات آهسته مرد، او را حیرت‌زده می‌کند! سرباز اسرائیلی، پر از آشوب و تلاطم است. لبخندی موذیانه بر لب دارد و مانند عقابی که شکارش را یافته، به آیه می‌نگرد و تفنگ را به سمت دخترک، نشانه می‌گیرد. با صدای بلند فریاد می‌زند:

_ تو نباید باشی!

یک آن سکوتی همه‌جا را فرا می‌گیرد و ثانیه‌ای بعد گلوله‌ای شلیک می‌شود.

با صدای شلیک گلوله، آیه در فضائی بالاتر از ابرها مادر را می‌بیند. آفتاب از کنج آسمان به گندمزار نزدیک است و باد تارهای موی آیه را در هوا می‌رقصاند.

مادر در تنه آسـمان، دسـتانش وا می‌کند و آیه را از افق خاکستری _ طلایی در آغوشش جا می‌دهد.

آیه پرصدا نفس می‌کشد و از آسمان و درحالی‌که در آغوش مادر جای گرفته است، زمین را می‌نگرد و لالایی مادر در گوشش زمزمه می‌شود.

یک شهید، یک خاطره

یک خوابِ مشترک

مریم عرفانیان

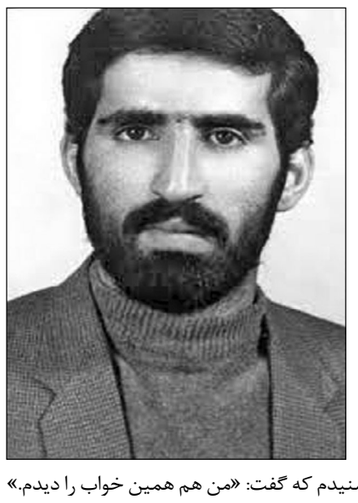

یکی از شـب‌ها خواب دیدم من و مهـدی به جایی وارد شـده‌ایم که اتاق‌های زیـادی دارد. در بزرگ‌ترین اتاق اهل‌بیت (علیهماالسـلام) حضور داشتند. خیلی خوشحال شده بودم که ناگهان به مهدی گفتند: «شما باید به اتاق جلویی بروی.» مهدی رفت و من ماندم! پرسیدم: «در آن اتاق کیست؟»

گفتنـد: «حضرت رسـول اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) است.»

من هم مشتاق شدم که بروم؛ اما نگذاشتند و جلویم را گرفتند!

گفتند: «هنوز نوبت شما نشده باید صبر کنی.»

وقتی از خواب بیدار شـدم دیدم مهدی هم بیدار شـده است. خوابم را برایش تعریف کردم. در کمال ناباوری شنیدم که گفت: «من هم همین خواب را دیدم.»

خاطره‌ای از شهید مهدی میرزایی
راوی: حمیده شریفی، همسر شهید